



معماری بنای مکشوف در تپه زیویه، قلعه یا نیایشگاهی در هزاره اول قبل از میلاد «غرب ایران»

حسام‌الدین جاویدنیا^I

علی هژبری^{II}

(صص: ۶۷-۵۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.3.10.51

چکیده

غرب ایران در هزاره اول قبل از میلاد سرشار از رخدادهای تأثیرگذار در زمان حکومت‌های آشور و اورارتو بود. در این برهه تاریخی، حکومت محلی ماناها همواره از طرف آشوریان و اورارتوها مورد هجوم قرار می‌گرفت. در این میان نیاز به دفاع از سرزمین، ماناها را مجبور به ساخت بناهای مستحکم برای جلوگیری از غارت و تخریب کرد. گویا در این زمان، سازه‌ای بزرگ در محل موسوم به «تپه زیویه» ایجاد شد که از طرف محققین به عنوان «قلعه» یا «کاخ-دژ» معرفی شده است. در این مقاله با توجه به ساختار اصلی بنای زیویه و نیز گورستان‌های فراوان در اطراف این بنا، پیشنهاد شده که به کاربری زیویه به عنوان «نیایشگاهی بزرگ» نیز توجه شود. با نگاهی دقیق‌تر به این بنا و محوطه‌های یافت‌شده در اطراف تپه زیویه می‌توان گفت که در این برهه، ماناها جدای از ساختن قلعه، بناهایی نیز برای انجام مراسم آئینی و تشریفاتی ساخته‌اند که کاربرد نیایشگاهی داشته‌اند و باید این مورد را نیز در نظر داشت که در هر حکومتی دین و فرایض دینی از نکات مهمی است که مورد توجه دولت‌ها بوده است. پرسش مهمی که می‌توان مطرح کرد این است که اگر کارکرد بنای مکشوف در زیویه، قلعه نباشد پس کاربری اصلی این بنا چیست؟ با این توضیح نگارندگان تلاش کرده‌اند تا در این مقاله این فرضیه را مطرح نمایند که کاربری احتمالی بنای تپه زیویه به عنوان نیایشگاهی در حدود سده‌های ۹ تا ۷ ق.م. در غرب ایران بوده است. در این مقاله با رویکردی تحلیلی-تاریخی و با بهره‌گیری از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به کارکرد اصلی بنا و بررسی داده‌ها و ارتباط آن‌ها پرداخته شده است.

کلیدواژگان: هزاره اول قبل از میلاد، مانایی، قلعه، نیایشگاه، زیویه.

I. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، کردستان، ایران (نویسنده مسئول).
kaveh.javidnia@gmail.com

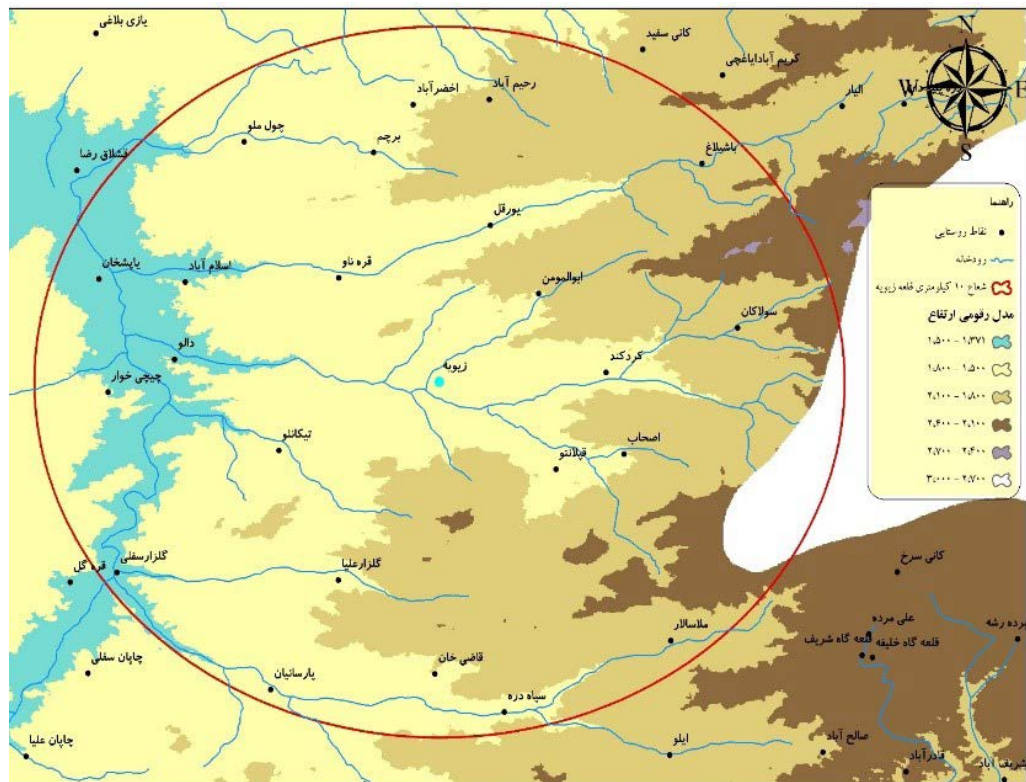
II. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تهران، ایران.

مقدمه

ماناها، حکومت ایرانی مستقل محلی که در سده‌های ۹ تا ۷ ق.م. در غرب ایران در اوج قدرت بودند. این حکومت همواره در منطقه مورد هجوم همسایگانش، آشوریان و اورارتوها قرار داشتند. ماناها برای دفاع از منطقه تحت تسلط و جلوگیری از تهاجم همسایگان خود استحکامات مختلفی ساختند. ساخت قلعه‌های حکومتی، یکی از این اقدامات پیش‌گیرانه بود؛ هم‌چنین در این سرزمین هم‌چون دیگر نواحی، ساخت بناهای دیگر نیز از الزامات حکومتی بود. از آن جمله نیایشگاه‌هایی برای انجام مراسم آئینی بود که در آن‌ها هدایایی نیز جمع‌آوری می‌شد. قرار گرفتن بناها در مکان مرتفع می‌تواند دلایل بسیاری داشته باشد؛ هم‌چون نزدیکی به آسمان به‌عنوان جایگاه خدا، دیده شدن بنا از نقاط مختلف، جلوگیری از دسترسی آسان به بنا در زمان تهاجم و بعضی دلایل دیگر. بنای مشهور به زیویه نیز بر بلندای تپه‌ای مرتفع و تا حدودی غیرقابل نفوذ قرار گرفته است؛ از این‌رو، بنای مکشوف در این تپه از زمان معرفی آن تا به حال از طرف محققین به‌عنوان «قلعه» یا «کاخ-دژ» معرفی شده است. نگارندگان در این مقاله با توجه به ساختار محوطه و محل قرارگیری آن بر روی تپه و هم‌چنین وجود گورستان‌های متنوع یافت‌شده در مجاورت آن، زیویه را به‌عنوان «نیایشگاهی» معرفی نموده که احتمالاً محلی مقدس برای انجام مراسم آئینی بوده است.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: بنای مکشوف در تپه باستانی زیویه از طرف باستان‌شناسان و پژوهشگران به مدت ۷ دهه به‌عنوان قلعه یا کاخ-دژ معرفی شده است. این تپه در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ ه.ش. توسط «نصرت‌الله معتمدی» و پس از انقلاب نیز توسط او و «سیمین لک‌پور» مجموعاً با ۱۲ فصل (هژبری، ۱۳۹۴ الف) کاوش شد. ایشان نیز هم‌چون دیگر محققین، همواره از واژه قلعه برای این بنا استفاده کردند؛ نکته قابل توجه در این خصوص، باورپذیری کاربری این بنا به‌عنوان قلعه از طرف محققین است. شاید با توجه به این‌که زیویه بر سر راه لشکرکشی‌های بزرگ آشوریان و اورارتوها بوده و نیز قرار گرفتن این بنا بر روی تپه‌ای مرتفع، این ذهنیت در پژوهشگران تقویت شده که این بنا یک دژ دفاعی بوده است؛ اما پرسش مهمی که در اینجا به وجود می‌آید، دلیل این باورپذیری است و این‌که آیا بناهای دیگر با کارکردی متفاوت نمی‌توانستند در بلندی ساخته شوند؟ حال با این وصف، اگر کاربری بنای مکشوف در زیویه به‌عنوان قلعه را بتوان زیر سؤال برد، پس این بنا چه کاربری دیگری می‌توانسته داشته باشد؟ نگارندگان با توجه به عوامل جغرافیایی و با تأکید بر تعداد محوطه‌های گورستانی یافت‌شده در اطراف تپه زیویه و به شعاع ۱۰ کیلومتر (نقشه ۱)، به کاربری این بنا در این دوره خاص پرداخته و امکان نیایشگاهی بودن این بنا را بیشتر محتمل می‌دانند. دلیل انتخاب شعاع ۱۰ کیلومتری به مرکزیت تپه زیویه، دستیابی به ارتباط مشخص میان تپه زیویه با گورستان‌ها و محوطه‌های اطراف آن است تا با دستیابی به این ارتباط آگاهی بیشتری به دست آید. در ادامه بحث به‌طور شفاف‌تر به چگونگی این نوع از کاربری بنا پرداخته می‌شود.

اهداف و ضرورت پژوهش: غرب ایران در هزاره اول قبل از میلاد همواره سرشار از رخدادهای گوناگون سیاسی بوده است. تاریخ سده ۷ تا ۹ ق.م. در غرب ایران محلی برای خودنمایی حکومت‌های مختلف از جمله آشور و اورارتو بود. در این میان یک حکومت ایرانی به نام «مانا» بر غرب ایران به‌عنوان حکومتی محلی فرمان می‌راند که هرازچندگاهی توسط همسایگانش مورد تهاجم قرار می‌گرفت. مانایی‌ها در قبال این حکومت‌ها، گاهی موضع بی‌طرف و گاه موضع دوست داشتند. ایجاد و ساخت بناهای متنوع از الزامات هر حکومتی بوده است. قلعه‌های حکومتی و نیایشگاه‌ها از این نمونه بناها هستند؛ هرچند اطلاعات دقیقی از وجود نیایشگاه در این دوره در این منطقه در دست نیست، اما می‌توان با این عنوان، نگاهی جدیدتر به آئین موجود در این منطقه و دوره مانایی‌ها داشت. از آنجاکه معمولاً حکومت‌ها دین رسمی داشتند، هم‌پای روستاها



نقشه ۱. نقشه زیویه و محدوده ۱۰ کیلومتری مورد مطالعه آن (جاویدنیا، ۱۳۹۵: ۴۹).

و شهرهایی که به تدریج شکل گرفته و گسترش می‌یافتند، مجموعه‌هایی با ظاهری نسبتاً مشابه به وجود آمده و شروع به توسعه نموده‌اند که از آن‌ها با عنوان «قلعه» یاد می‌شود (زارعی و حیدری، ۱۳۹۳: ۱۹۹). در بخش زیویه و بر بلندای تپه‌ای در مجاورت روستای زیویه، بنایی قرار دارد که از طرف محققین از زمان کشف آن تاکنون به عنوان «قلعه‌ای حکومتی» در هزاره اول قبل از میلاد معرفی شده است. با توجه به ویژگی‌هایی که یک قلعه حکومتی باید داشته باشد، می‌توان گفت که با توجه به ساختار موجود و باقی‌مانده سازه‌های بنای زیویه و نیز کشف تعدادی آثار منقول متنوع که در بقایای بنا به جای مانده، ویژگی‌های یک نیایشگاه را بیشتر به معرض نمایش می‌گذارد تا یک قلعه؛ با این پیش‌فرض که این بنا، نیایشگاهی در هزاره اول قبل از میلاد در غرب ایران بوده، می‌توان دیدگاهی نوین در روند تحقیقات باستان‌شناسی ایران در زمینه مذهب و باور ماناها ایجاد کرد. برای یافتن درستی این موضوع نیاز به نگاهی دقیق‌تر به این بنا و آثار آن است. در این مقاله به توضیح بخش‌هایی از بنا و وجود گورستان‌های همجوار آن پرداخته شده و ارتباط موجود و احتمالی آن‌ها بررسی شده است.

روش پژوهش: در این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و تاریخی و با بهره‌گیری از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به معرفی بنا و نوع کاربری آن و بررسی داده‌های به دست آمده و ارتباط آن‌ها با بنای مورد مطالعه پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پس از کشف اتفاقی محوطه باستان‌شناختی زیویه در سال ۱۳۲۵ ه.ش. مطالعاتی در ارتباط با مانایی‌ها آغاز شد. در ابتدا «ایوب رب‌النوع (ربنو)» به مدت ۸ سال در این تپه دست به حفاری تجاری زد. با حفاری‌های غیرعلمی و تجاری او از سال ۱۳۲۵ ه.ش. آسیب فراوانی به معماری

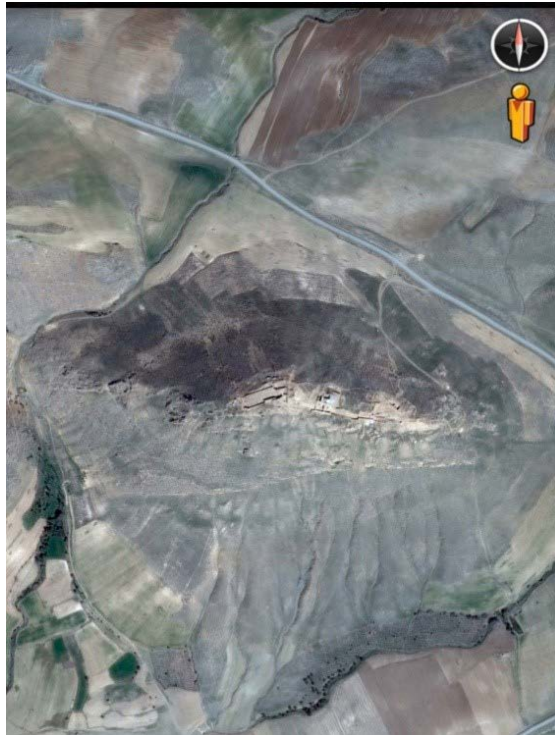
باستانی زیویه وارد شد. تپه زیویه و اشیاء به دست آمده از آن توسط «رومن گیرشمن»، «آندره گدار» و هیأت آمریکایی پروژه حسنلو مورد مطالعه قرار گرفت (ملازاده، ۱۳۸۳: ۲۲۳). این آثار از هجوم حفاران قاچاق آثار باستانی در امان نماند و آثار بسیار نفیسی از این تپه مهم باستان شناختی روانه کشورهای مختلف جهان شد و در اختیار مجموعه داران خصوصی و موزه‌های معتبر جهان قرار گرفت.

زیویه، یک موضوع پژوهشی تازه برای برخی از پژوهشگران بود؛ گیرشمن (1979; 1961; 1950)، (Grishman, ۱۳۷۵؛ ۱۳۴۶)، «بارنت» (Barnett, 1956, 1962)، «ویلیکینسون» (Wilkinson, 1960)، «پرادا» (پرادا، ۱۳۵۷: ۱۹۱-۱۷۰؛ Porada & Ettinghausen, 1964)، «بومر» (Boehmer, 1964) و افراد دیگر نظریاتی در این باره دارند. «رابرت دایسون» نیز به مطالعات میدانی کوتاهی در زیویه پرداخته و کاوش‌های محدودی در چند گمانه داشته است؛ وی در چند مقاله به نتایج این فعالیت‌ها پرداخته است (Dyson, 1963; 1965). علاوه بر این «کایلر یانگ» در گاه‌نگاری تطبیقی عصر آهن ایران به نتایج حاصل از این مطالعات استناد نموده است (Young, 1965). به نظر می‌رسد تعداد قابل توجهی از اشیاء یافت شده از محوطه‌های باستانی دیگر در این منطقه، به عمد یا به اشتباه به نام زیویه ثبت شده باشند (Muscarella, 1977: 197-219). تلاش‌های بسیاری در این منطقه برای به دست آمدن موقعیت «ایزیرتو» پس از تطبیق دادن مکان باستانی زیویه با ایالت ایزبیه مانایی (Boehmer, 1964) صورت گرفت. نخست آندره گدار، «قاپلانتو» را ایزیرتو خواند (Godard, 1950: 7) که این نظریه پس از مدت کوتاهی رد شد. پیشنهاد «فوخس» (Fuchs, 1994: 447-450) برای ایزیرتو، منطقه زیویه بود که مورد موافقت «جولیان رید» (Reade, 1995: 41) نیز قرار گرفت. برخی پژوهشگران ایزیرتو را به شکلی دقیق در شمال بوکان در دره زربینه رود برروی نقشه نشان دادند (Chamaza, 1994: 11). در سال ۱۳۶۴ ه.ش. «احسان (اسماعیل) یغمایی» تپه قلاچی در ۷ کیلومتری شمال شهرستان بوکان در آذربایجان غربی را مورد کاوش قرار داد؛ پس از عملیات نجات بخشی هیأت ایرانی، کتیبه‌ای به خط آرامی که بر روی آجر لعاب دار به دست آمد (یغمایی، ۱۳۶۴). این کتیبه، تنها کتیبه مکشوف از فرهنگ مانایی است. با انتشار کتیبه قلاچی و مطالعات «رسول بشاش کنزق» (۱۳۷۵)، این قلاچی بود که به عنوان «ایزیرتو» ی باستان مطرح شد. لازم به یادآوری است تپه زیویه در دی ماه سال ۱۳۴۶ ه.ش. با شماره ۷۶۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

مشخصات ساختمانی بنای زیویه

تنوع در شکل ظاهری قلعه‌ها موجب شده تا تصور شود که وجود قلعه‌ها قبل از این که ناشی از ضرورت انطباق با محیط جغرافیایی خاص بوده باشد و یا نتیجه شدت گرفتن ناامنی، متأثر از سبک معماری به خصوصی است (پلانول، ۱۳۵۸: ۲). در ساخت بنای زیویه، معماران آن از سطح ناصاف تپه برای ساخت مجموعه استفاده کرده‌اند که به شکل طبیعی در بخشی از آن شیب تند صخره‌ای تپه به معماران یاری رسانده است. بخش‌های دیگر زیویه توسط سازندگان آن تا حدودی هموار و صاف شده است. ساختار طبیعی تپه زیویه به صورتی است که معمار و سازندگان بنا را (احتمالاً) مجبور ساخته تا پاره‌ای از عناصر آن با موازین و اصول اولیه معماری تطابق و سازگاری نداشته باشد (تصویر ۱).

این تپه از شمال دارای شیب تاحدودی تند است که رسیدن به بالای تپه از این سمت کار چندان دشواری نیست. بخش جنوبی تپه نیز دارای شیب بسیار تندی است که مانع از دسترسی آسان به تپه می‌شده است. بخش غربی از شیب نسبتاً ملایم تری برخوردار بوده و بخش شرقی شیب ملایم تری از دیگر بخش‌ها دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد مسیر دسترسی به بنا از گذشته تا به حال بخش شرقی بوده است. ابعاد و اندازه فضاها غالباً هماهنگی معمول و مرسوم را ندارند. دیوارهای



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای تپه زیویه (Google Earth).

مقابل در فضاها کمتر از نظر ابعاد و اندازه‌ها یکسان هستند و زوایا نیز از صورت قائمه خارج اند. این ناهمگونی صرفاً به واسطه همان شرایط و موقعیتی است که زمین پرشیب و صخره‌ای تپه در اختیار سازندگان بنا قرار داده و از سویی ایجاد فضاها در سکوه‌های خشتی، سازندگان بنا را مجبور به عدم رعایت اصول زیباشناسی در معماری می‌نموده است (معمدی، ۱۳۷۶: ۱۴۳).

بناهای به‌دست‌آمده و یا به‌عبارتی بناهای باقی‌مانده از تپه شامل: پلکان ورودی (که به شکل راه‌پله سنگی با ستون‌هایی در اطراف آن است)، اتاق‌ها، انبارها، تالار ستون‌دار، سکوها و حیاط سنگ‌فرش است. اگر کاربری نیایشگاهی بودن زیویه پذیرفته شود، می‌توان بخش‌های به‌دست‌آمده از آن را به لحاظ بخش‌بندی فضایی با مجموعه به‌دست‌آمده از تپه نوشیجان مقایسه کرد که در کاوش‌های سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ م. توسط استروناخ (Stronach & Roaf, 2007) رخ نمود.

نکته بسیار مهم برای هر قلعه، وجود برج و بارو است که باتوجه به این‌که در مجموعه معماری زیویه اثری از آن‌ها به‌دست نیامده، کاوشگران احتمال تخریب برج و باروی بنا را در طول زمان بیان کرده‌اند. «لک‌پور» در کاوش‌های خود در ضلع شمالی تالار ستون‌دار به وجود حداقل دو برج اشاره کرده است (گفت‌وگوی خصوصی با لک‌پور) که از درون یکی از آن‌ها بقایای ذخیره‌گندم به‌دست آمده است (البته باتوجه به فقدان گزارشات موثق و مکتوب نمی‌توان به صحت این ادعا باور داشت و نیاز به مستندات قابل ارجاع دارد). برخی از محوطه‌های مسکونی، صخره‌ای و یا مذهبی مانایی نیز با ایجاد تمهیدات خاص معماری به منظور تسخیرناپذیری، از ویژگی‌های نظامی برخوردار شده‌اند (علیزاده و فیروزمندی، ۱۳۹۲: ۹۶). باتوجه به موقعیت قرارگیری بنای زیویه، شاید بتوان گفت تنها شباهت این بنا با قلعه‌های کوهستانی، محل قرارگیری آن بر روی تپه‌ای مرتفع است که شاید این مسأله را در ذهن پژوهشگران تقویت کرده تا آن را قلعه بنامند؛ البته باتوجه به ورودی‌های باریکی که در سه بخش از معماری زیویه (فضای ۱: ورودی اصلی، فضای

۲: انتهای راه پله به سمت بخشی که از نظر «معمدی» فضای آشپزخانه و... نام گرفته، و فضای ۳: ورودی تالار ستون دار) به جا مانده می‌توان ویژگی‌های قلعه‌های نظامی را مشاهده کرد، اما باتوجه به بحث دژ بودن زیویه که موقعیت دفاعی به آن می‌دهد و همین‌طور بحث نیایشگاهی بودن زیویه که اهمیت دفاع از بنا را بیشتر می‌کند، دارا بودن این شاخصه، دور از انتظار این مکان نیست. از طرف دیگر، از آنجاکه ساختار دفاعی بنای نظامی ماناها بر پایه دیوارهای بیرونی بسیار مستحکم، مسدود نمودن محل‌های ضعیف نفوذپذیر با مصالح سنگی درشت و غالباً خشکه‌چین، استفاده از برج‌های توپر نیم‌دایره‌ای، اتاقک‌های برج‌مانند چهارگوش توخالی و با کشیدن باروهای مدور پیرامون استقرارها میسر می‌شد (علیزاده و فیروزمندی، ۱۳۹۲: ۹۴)، در بنای زیویه جایگاهی نداشته و به دست نیامده است؛ لذا از مهم‌ترین ویژگی‌های قلاع کوهستانی، برج و باروها هستند. برج و باروها برجسته‌ترین و خارجی‌ترین نشانه این قلعه‌هاست (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۳: ۲۰۱) که در بقایای معماری زیویه کمتر به چشم می‌آید.

قلعه‌های شکل‌گرفته در دشت، برخلاف قلاع کوهستانی براساس طرح و نقشه‌ای از پیش تعیین‌شده شکل گرفته‌اند و شکل هندسی منظمی دارند که باتوجه به ماهیت وجودی‌شان از ابعاد، استحکام، ساخت و طراحی متفاوتی برخوردارند (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۳: ۲۰۱)؛ هرچند بنای زیویه همانند قلعه‌های کوهستانی، بدون طرح و نقشه از پیش تعیین‌شده شکل گرفته، ولی فاقد هرگونه برج سنگی است و اتفاقاً بیشتر بنا با خشت ساخته شده است. هم‌چنین شیوه معماری در چفت و بست‌های دیوار بناهای زیویه، نشان از عدم توجه در ساخت و نقشه‌ای از پیش تعیین‌شده دارد و در کلیت ساختمان نمی‌توان دقت در نقشه را دید.

در ساده‌ترین شکل اگر بخواهیم برای این بنا، براساس شکل ظاهری آن، کاربری قلعه را انتخاب کنیم، باتوجه به عدم یافتن برج و باروها در مرحله اول، این بنا نمی‌تواند شرایط ظاهری یک قلعه را داشته باشد؛ بلکه تنها می‌توان شباهتی در موقعیت قرارگیری بنا بر بلندی دید که فقط مختص به قلعه‌ها نیست. مجموعه بناهای نوشیجان تپه در ملایر نشان داد که بنای یک معبد مهری از دوره مادها در رأس یک تپه مرتفع ایجاد شده است (هژبری، ۱۳۹۲). قلاع را در کوه‌های صعب‌العبور، کنار منابع آب و چشمه‌سارها، پیرامون شهرها و مشرف بر آن‌ها می‌ساخته‌اند و نقش آن‌ها در تحولات سیاسی گوناگون مانند به قدرت رسیدن و سقوط حکومت‌ها، در بحران‌های داخلی و یورش اقوام بیگانه به عنوان هسته شکل‌گیری شهرها و پدید آمدن شهری در کنار آن‌ها بسیار مهم بوده است (عریان، ۱۳۷۴: ۳۰۱). با این وصف، گرچه ساختارهایی در پیرامون زیویه دیده می‌شود، ولی اثری از معماری شاخص به دست نیامده تا بتوان براساس آن وجود یک شهر را در این منطقه تصور کرد. اگر فرض بر نیایشگاه بودن مجموعه بناهای زیویه را در نظر بگیریم، باتوجه به قرارگیری بر روی تپه‌ای مرتفع، این پرسش به وجود می‌آید که چرا دسترسی به یک نیایشگاه باید این‌چنین سخت باشد؟ از جمله دلایلی که می‌توان به آن اشاره کرد، حالت خدایی دادن به شخص ستودنی و مورد احترام در این مکان است که جایگاه او را به عنوان شخصیتی خدایی و یا نیمه‌خدایی، رفیع نشان می‌دهد؛ بنابراین چنین شخصی نمی‌توانسته در محلی هم‌سطح و قابل دسترس هم‌چون مردم عادی باشد. از دلایل دیگر می‌توان به در دیدرس بودن این بنا از نقاط مختلف اشاره کرد، به نحوی که ساکنان پیرامون محوطه بتوانند نیایشگاه را از فاصله‌های دورتر هم ببینند. دلیل دیگری هم که می‌توان به آن اشاره کرد، قرارگرفتن این بنا بر سر راه اقوام مهاجم در این دوره، هم‌چون آشور و اورارتو است که شاید برای جلوگیری از غارت گنجینه‌های نیایشگاه، دسترسی آسان به بنا را با ساختن آن در ارتفاع سخت‌تر کرده باشند. محل قرارگیری و صعب‌العبور بودن این بنا می‌تواند نشان از اهمیت امر مذهبی باشد، همان‌گونه که در نوشیجان تپه نیز می‌توان مشاهده کرد (Hozhabri, 2014).

ورودی با راه پله سنگی

راه پله ای سنگی، مسیر دسترسی اصلی مجموعه زیویه به حساب می آید که در شرق تپه قرار دارد (تصویر ۲). این راه پله شامل ۲۱ پله سنگی است. عرض پله ها از پایین به بالا تغییر می کند و از ۹۰ سانتی متر در پایین تا ۱۷۰ سانتی متر در بالا متغیر است. ارتفاع هر پله کمابیش ۳۰ سانتی متر است. گویا دیوارهای اطراف پله های پایینی به دلیل حفاری های قاچاق و تجاری از بین رفته و تنها آثار دیوارهای کناره راه پله سنگی در پله های بالاتر دیده می شود.



تصویر ۲. ورودی تپه زیویه (بایگانی پایگاه ملی زیویه - کرفتو).

در میان پله های بالاتر، سه پایه ستون وجود دارد که با فاصله ۳ یا ۴ متر کار گذاشته شده است (تصویر ۳). اثری از ساقه اصلی ستون ها به جای نمانده و ما نیز اطلاعاتی از آن ها در اختیار نداریم، ولی احتمال این که ساقه ستون ها از خشت بوده باشد، وجود دارد. ساخت ستون آن هم در راه پله های ورودی یک بنا که عنصری تزئینی برای زیبایی بنا هستند، قابل توجه است. وقتی این ستون ها در ورودی بنا به چشم می خورد، این گونه برداشت می شود که این ورودی محلی برای بار گرفتن افراد از طریق مسیری درخور توجه برای رسیدن به محلی مقدس و مورد احترام بوده است که حالتی از ورودی تشریفاتی دارد. سنگ های استفاده شده در راه پله ها از مصالح طبیعی منطقه است. با طی کردن مسیر از طریق راه پله سنگی می توان به حیاط سنگ فرش رسید.

اتاقها

راه پله دیگری در داخل بنا قرار گرفته که در اطرافش و به طور دقیق تر در شمال آن، اتاق هایی را دربر دارد. امروزه بقایای آن فضاها مرمت شده و تاحدودی از نابودی کامل آن ها جلوگیری گردیده است که همین امر به درک هرچه بهتر نقشه و موقعیت قرارگیری و شکل دقیق تر آن ها به محققین یاری رسانده است. باتوجه به این بقایا، حدود ۶ اتاق به شکل مربع مستطیل به دست آمده که



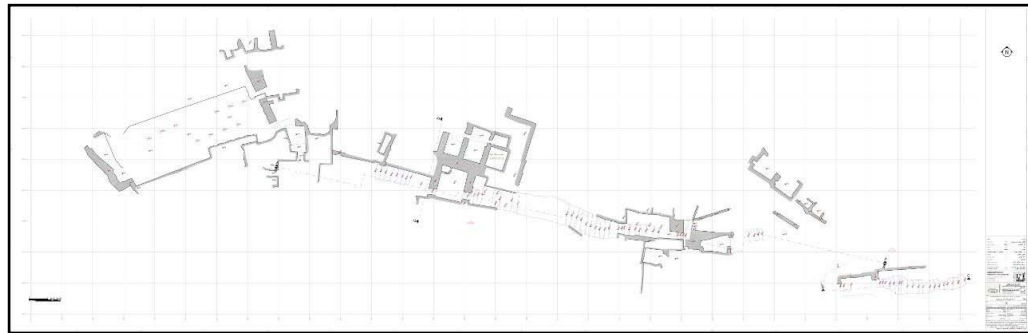
تصویر ۳. پلکان، فضاهای اطراف آن و بقایای پایه‌ستون‌ها در سمت راست تصویر (خبرگزاری فارس).

از طریق راهروهایی به هم متصل شده‌اند و اتاق ۶، راهرو یا درگاهی برای ورود ندارد. احتمال دارد راه ورودی آن از طریق سقف صورت می‌گرفته؛ بنابراین این اتاق‌ها به شکل زیرزمینی بوده‌اند. ساخت اتاق‌های متعدد در این بنا، جدای از این‌که می‌توانسته محل انبار غلات و ارزاق بوده باشد، می‌توانسته محلی برای جمع‌آوری هدایا نیز بوده باشد که از طرف مردم به نیایشگاه تقدیم می‌شده است. در یکی از اتاق‌ها به نظر می‌رسد بتوان بقایای یک تاق هلالی را از شکل خشت‌ها و گوشه‌سازی مشخص نمود. خشت‌ها در اینجا در یک خط پیش از خیز تاق به شکل مثلثی درآمده تا بتوانند به تاق شکل دهند؛ هم‌چنین می‌توان در یکی از گوشه‌ها بقایای این تاق را تشخیص داد که در نوع خود منحصر به فرد بوده و از قدیمی‌ترین بقایای تاق در غرب ایران محسوب می‌شود. اما به نظر می‌رسد بیشتر اتاق‌ها دارای پوشش سقف بوده و ارتفاع آن‌ها که پوششی مسطح و تیرپوش داشته‌اند، از کف اتاق طبقه بالا، در حدود ۶/۱۰ متر بوده است (ملازاده، ۱۳۸۳: ۲۲۵). کاربری این اتاق‌ها به احتمال قریب به یقین، انبار غله یا هدایای نذری بوده است؛ بی‌شک در یک مکان مقدس محلی هم‌چون خزانه وجود داشته تا هدایای گرانبها را در آن جمع‌آوری کنند. گرچه تاکنون مکانی با کاربری خزانه از این بنا گزارش نشده، اما با توجه به کشف اتفاقی گنجینه ارزشمند زیویه در دهه ۱۳۲۰ ه.ش. این موضوع دور از ذهن نیست.

تالار ستون‌دار

تالار ستون‌دار، در شمال غرب ایران از محوطه‌هایی هم‌چون حسنلو، قرن نهم قبل از میلاد زیویه و قلاچی در قرون ۸ و ۷ ق.م. گزارش شده است. به نظر می‌رسد شکل‌گیری این سبک معماری مدیون ماناها بوده و بعدها توسط ملل دیگر هم‌چون اورارتوها، ماد و هخامنشی به شکل هنرمندانه‌ای تقلید شده و تکامل می‌یابد (علیزاده و فیروزمندی، ۱۳۹۲: ۹۷). شاید مهم‌ترین بخش در بین مجموعه مکشوف در تپه زیویه، تالار ستون‌دار آن باشد. این تالار بر روی سکویی مسطح و هموار در شمال غربی تپه برپا گردیده است (تصویر ۴). تالار ستون‌دار زیویه با جهتی از شمال شرقی به جنوب غربی، مساحتی برابر با ۴۸ متر طول و ۲۳ متر عرض دارد که در آن دوردیف ستون ۸ تایی وجود داشته است. از این مقدار، امروزه فقط ۱۱ پایه‌ستون در محل باقی‌مانده و با

وجود دو پایه‌ستون دیگر (یکی در دامنه شمالی تپه و دیگری در روستایی نزدیک زیویه) تعداد ۱۳ عدد از آن‌ها امروز وجود دارد. شکل ظاهری پایه‌ستون‌ها دایره‌ای بوده و قطر پایه‌ستون‌ها بین ۹۵ تا ۱۰۵ سانتی‌متر است (زارعی، ۱۳۸۶: ۱۷۴).

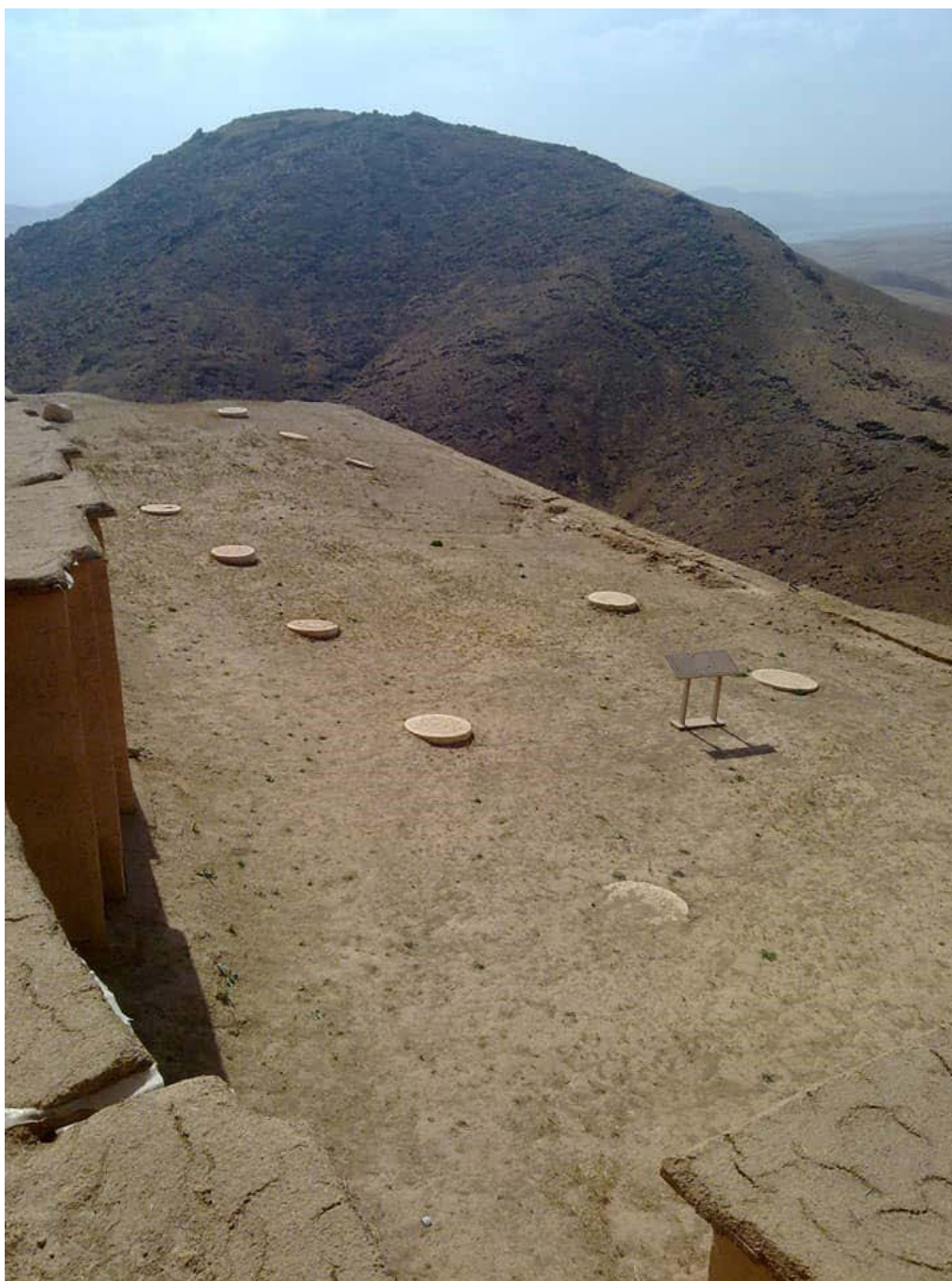


تصویر ۴. نقشه زیویه (بایگانی پایگاه ملی زیویه و کرفتو).

هرچند امروزه از بدنه اصلی ستون‌ها اثری به جای نمانده، ولی باتوجه به ساختار به نظر می‌رسد این ستون‌ها تکیه‌گاه سقفی مسطح بوده که دیرک‌های چوبی یا شالی‌ستون‌های خشتی، نگه‌دارنده آن بوده است. اگرچه معتمدی احتمال می‌دهد (معتمدی، ۱۳۷۴) ستون‌ها خشتی بوده‌اند، ولی احتمال استفاده از ستون‌های چوبی به دلیل استفاده زیاد از چوب در ساخت دیگر بخش‌های بنا (هم‌چون دیرک‌های سقف اتاق‌ها و انبارها) و فراوانی چوب در منطقه نیز منتفی نیست (تصویر ۵).

باتوجه به آثار باقی‌مانده از تالار، دیوارهایی در سمت غرب و جنوب تپه قرار گرفته‌اند. دیوار جنوبی، آثاری از طاقچه بر روی خود دارند که این‌گونه طاقچه‌ها احتمالاً مکانی برای نگه‌داری آثار تزئینی و آئینی بوده است (جاویدنیا، ۱۳۹۵: ۶۳). شواهد متعددی در دست است که نشان می‌دهد تعمیراتی اساسی در گوشه و کنار تأسیسات بنا صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به دیوار جنوبی در تالار ستون‌دار اشاره نمود. برای استحکام بخشی به این دیوار و جلوگیری از انهدام کامل آن، دیواری با قطر ۱۸۰ تا ۲۰۰ سانتی‌متر با جرزهای متعدد در جلو دیوار اصلی که در قسمت وسط دچار آسیب شده و از هم پاشیده، ساخته‌اند (معتمدی، ۱۳۷۶: ۱۴۳). دیوار غربی ۹ متر قطر دارد که در واقع نشان می‌دهد در این بخش به دلیل شیب تپه اقدام به ساخت یک صفا نموده‌اند. تالار دارای کف هموار است که با خشت خام به شکل شطرنجی (یکی در میان) فرش شده است.

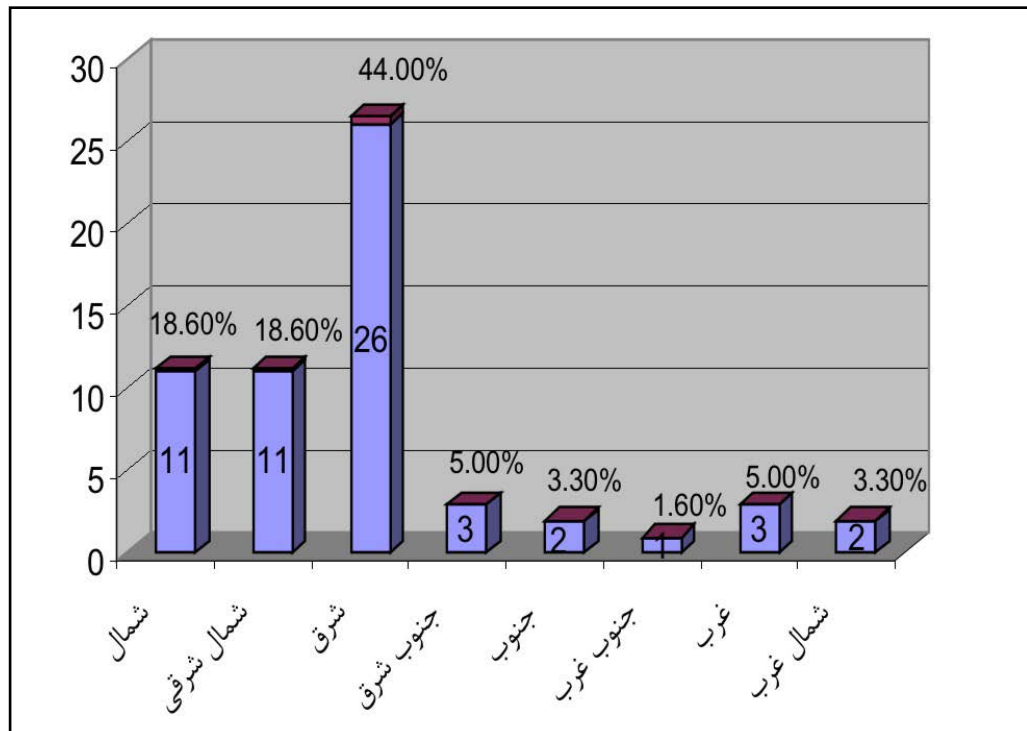
به نظر می‌رسد تالار ستون‌دار زیویه، محلی برای بارعام بوده است؛ با این وصف، تالار مذکور جایگاه مناسبی برای رسمیت بخشیدن به یک امر مذهبی بوده است. براساس پژوهش‌های دقیق‌تر می‌توان باتوجه به گستردگی و پراکندگی گورستان‌های متنوع در پیرامون این بنا تا شعاع ۱۰ کیلومتری بیان کرد که باتوجه به گورهای متنوع شامل گورهای خانوادگی، تک‌نفره، دونفره و در بعضی موارد تدفین‌هایی به صورت جمع‌آوری تعدادی استخوان و جمجمه در بخشی از گور (هم‌چون گورستان چنگبار) و نیز تدفین در تابوت (ملامچه)، نشان از مورد احترام بودن این بنا از اواسط قرن ۹ تا اواسط قرن ۷ ق.م. بوده و ساکنان پیرامون بنا برای تقرب به شخص مورد احترام خود در نزدیک مجموعه بناهای زیویه اقدام به دفن مردگان خویش می‌کردند؛ علاوه بر تنوع بسیار در تدفین‌ها، از نکات جالب توجه در آن‌ها میزان بالای جهت سر دفن‌شدگان به سوی بنای زیویه است (نمودار ۱) که گویی می‌خواسته‌اند تا فوت‌شدگان روی به سوی جهتی مشخص (مکان و شخص مورد احترامشان) داشته باشند. به باور معتمدی تنوع در جهت تدفین مردگان به نوعی نشان از زمان تدفین متوفا در ساعات روز است (معتمدی، ۱۳۷۳).



تصویر ۵. تالار ستون دار (www.iranatlas.info).

سکوها

به طور معمول برای ساختن سطحی هموار، نیاز به انتخاب محلی مناسب و استفاده از ابزار مناسب است. در زیویه نیز محل‌های مورد نظر با توجه به نوع کاربری‌شان در حین ساخت بنا به مرحله ساخت درمی‌آمدند که یکی از همین بخش‌ها، تالار ستون دار است. در ساخت سکوها در تپه زیویه برای سطوح پایه و اولیه، ابتدا زمین را با استفاده از سنگ‌هایی در اندازه‌های متنوع تا حدودی هموار ساخته‌اند و سپس اقدام به ساخت مصطبه با استفاده از مصالح خشتی برای ایجاد سکوها کرده‌اند. خشت‌ها در فاصله‌ای نسبتاً دقیق و مشخص از یکدیگر قرار گرفته و فاصله فوق را با ملاتی



نمودار ۱. نمودار فراوانی جهت سراجساد در گورهای گورستان چنگبار (نقشینه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

محکم و چسبنده از خاک سفید، خاک رس و گاه پر ساخته‌اند، اما در ساختمان سکوه‌های مرحله بعد و پشت بندها این اصول رعایت نشده و طبیعتاً سطح اولیه ناهموار بوده و چون ملاتی هم در ساختمان آن به کار نرفته، از این رو در لایه‌های بعد هم با چین و شکن بر روی یکدیگر قرار گرفته‌اند (معمدی، ۱۳۷۶: ۱۴۴). برخلاف زندان سلیمان و قلاچچی که به نظر می‌رسد بعد از سقوط دولت مانا استقراری در آن شکل نگرفته (ملازاده، ۱۳۸۳: ۲۲۷)، زیویه در دوره ماد و بعد از سقوط مانا در سال‌های پایانی سده هفتم قبل از میلاد هم چنان مورداستفاده حاکمان محلی قرار داشته است. قرابت بیشتر سفال زیویه با حسنلوی III که مدتی بعد از سقوط دولت مانا هم چنان مورداستفاده بوده، از همین جا ناشی می‌شود (رضاقلی و نقشینه، ۱۳۹۳).

مقایسه

شاید از بناهای مهمی که شباهت‌های کلی با مجموعه زیویه دارند بتوان به مجموعه نوشیجان تپه ملایر اشاره کرد. در آنجا پژوهش‌های اخیر نشان داد که این بنا به احتمال بسیار زیاد، معبد مهر است (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: هژبری، ۱۳۹۲، هژبری، ۱۳۹۴ ب، و Hozhabri, 2014). می‌توان به برخی ویژگی‌های خانه مهر براساس آنچه در مهریشت آمده، اشاره نمود که در میان دشت واقع شده و بر روی نقطه‌ای مرتفع ساخته می‌شود (مهریشت، کرده دوازدهم، بند ۵۰). هردو بناهای زیویه و نوشیجان تپه بر روی ارتفاع ساخته شده‌اند. راه ورود به مجموعه نوشیجان تپه در جبهه شرقی است؛ همان‌گونه که در زیویه است. در زیویه ابتدا به حیاطی در مشرق می‌رسیم، همان‌طور که در نوشیجان تپه دیده می‌شود. به نظر می‌رسد تالار ستون دار نوشیجان تپه در مرحله معماری بعدی به مجموعه افزوده شده است؛ همین‌طور فرورفتگی بخشی از دیوار شرقی در تالار ستون دار زیویه شاید نشان‌دهنده این نکته باشد که این تالار ستون دار در یک مرحله معماری بعدی در کنار دیگر بناهای مجموعه افزوده شده باشد. هردو بنا با خشت ساخته شده و با این‌که طبیعت پیرامون

آن‌ها سنگ بیشتری معمارانشان قرار داده است، آن‌چنان‌که نوشیجان تپه را بعدها با سنگ پر کرده‌اند. با این‌وصف، به‌نظر می‌رسد نوشیجان گرچه پس از زیویه تاریخ‌گذاری می‌شود، نکات ارزشمندی برای مقایسه با مجموعه زیویه در اختیار قرار می‌دهد که بیشتر بر مذهب بودن آن‌ها دلالت دارند تا قلعه تدافعی.

نیایشگاه یا قلعه؟

با موارد یاد شده و باتوجه به گورهای فراوان در اطراف تپه زیویه در محل‌هایی هم‌چون گورستان چنگبار (نقشینه و همکاران، ۱۳۹۰؛ جاویدنیا، ۱۳۹۵)، گورستان قاپلانتو (قدرت‌آبادی و حسن‌زاده ۱۳۹۰)، گورستان ملامچه (مهاجری‌نژاد، ۱۳۹۲)، گورستان کول‌تاریکه (Rezvani & Roustaei, 2007)، گورستان کانی‌زیرین (هژبری، ۱۳۹۵) و دیگر محوطه‌های شناسایی و بررسی‌شده (وفایی، ۱۳۸۸)، مشخص شد که معماری قابل‌توجهی به‌اندازه زیویه در نزدیکی این تپه وجود نداشته (صالحیه، ۱۳۸۹) و گمان می‌رود که باتوجه به کاوش‌های صورت‌گرفته در اطراف تپه و دستیابی به تعداد بسیار زیادی گور و هم‌چنین باتوجه به معماری مختصر در پیرامون تپه، کاربری اصلی محوطه، احتمالاً بیشتر نیایشگاه بوده که هم‌چون محلی مقدس و مورد احترام مردمان از اطراف برای عبادت به آنجا آمده و مردگان خویش را در نزدیکی آن به خاک می‌سپرده‌اند. نکته دیگر این‌که در کاوش‌های صورت‌گرفته از بنای زیویه، هیچ اثری از برجک‌های دیده‌بانی به‌دست نیامده است. این موضوع باتوجه به این نکته که هر قلعه‌ای نیاز به برج‌های دیده‌بانی دارد، حائز اهمیت است؛ و این‌که ساخت برج دیده‌بانی از گذشته و به‌خصوص در هزاره اول قبل‌ازمیلاد باوجود قلعه‌های نظامی اورارتویی که هم‌زمان با حکومت مانا بودند، این پرسش را مطرح می‌کند که با این‌که فن ساخت قلعه در این زمان بسیار پیشرفته بوده، چرا معماران زیویه از ساخت برج دیده‌بانی امتناع کرده‌اند؟ بی‌شک برای ساخت بخش مهم یک قلعه، نیاز به مصالح دارای استواری زیاد هم‌چون سنگ یا آجر است که باتوجه به فراوانی سنگ در منطقه، تأکید بر ساخت بنا بیشتر با خشت، تردیدها را بیشتر می‌کند. نکته قابل‌توجه دیگر وجود تالار ستون‌دار در قلعه زیویه است. بعضی از محققین این بنا را کاخ-دژ معرفی کرده و تالار ستون‌دار را شاه‌نشین دانسته‌اند؛ اما اگر زیویه نیایشگاه باشد، تالار ستون‌دار می‌تواند جایی برای بارعام بوده باشد که شخصیتی مذهبی و آئینی برای دیدار و پذیرش پیروان در این مکان از آن‌ها بار می‌گرفته است. نکته قابل‌توجه دیگر، یافت شدن تعداد گورهای فراوانی است که رو به شرق دارند؛ هم‌چنین به‌نظر می‌رسد از آنجاکه بقایای دیوار در بخش شرقی بنا به‌دست نیامده و حیاط سنگ‌فرش شرقی بر روی یک سکوی بزرگ خشتی قرار دارد، شاید اینجا محلی به‌عنوان قربانگاه بوده که تاکنون این مورد گزارش نشده است. نمونه مراسم قربانی کردن در دوره مانا را می‌توان در قلیچی بوکان مشاهده کرد (یغمایی، ۱۳۹۴: ۱۹۹)؛ از این‌رو، شرق و محل طلوع خورشید، شاید در این نگرش مذهبی توسط ساکنان زیویه جایگاه ویژه‌ای داشته است. هم‌چنین در طی ۳ فصل کاوش در گورستان چنگبار زیویه به‌سرپرستی معتمدی در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ه.ش. که در قسمت جنوبی تپه زیویه و در فاصل ۱۰۰۰ متری از این تپه (تصویر ۶) انجام گرفته، مجموعه‌ای نزدیک به ۳۳۰ گور (نقشینه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۸) کشف شد. باتوجه به کاوش‌های معتمدی در سال ۱۳۵۵ ه.ش. جهت کاملاً مشخصی در تدفین‌های چنگبار به‌چشم نمی‌خورد (معتمدی، ۱۳۷۳: ۱۰۹)، اما براساس همین گزارشات (معتمدی، ۱۳۷۳: ۸۳-۱۰۵) می‌توان درصد بیشتری از تدفین‌ها را به سمت شمال تا شمال شرقی مشاهده کرد؛ یعنی جهتی که تپه زیویه قرار دارد. درنهایت ویژگی‌های کلی بناهای زیویه شباهت‌هایی را با مجموعه بناهای نوشیجان تپه ملایر نشان می‌دهد؛ هم‌چون قرارگیری در رأس تپه بلند، حیاط شرقی، تالار ستون‌دار، اتاق‌ها و انبارها که در آنجا نیز با تأکید بیشتری می‌توان



تصویر ۶. تصویر ماهواره‌ای چنگبار و محل قرارگیری آن نسبت به تپه زیویه (Google Earth).

به مذهبی بودن آن اشاره کرد و اتفاقاً از آنجا نیز گنجینه‌ای مشهور به «گنجینه زیویه» به دست آمده است.

این نوع قرارگیری قبور به سمت تپه زیویه می‌تواند جهت مشخصی را نشان دهد که به صورت عمدی انجام گرفته است؛ به یک معنی دیگر، می‌توان گفت افراد را به سمت محل مشخص مورد احترام خود دفن می‌کرده‌اند. جهت قرارگیری سر مردگان در این گورستان نیز قابل تأمل است. متداول‌ترین جهت سر برای اجساد دفن شده در چنگبار، جهت شرقی است که حدود ۴۵ درصد موارد را شامل می‌شود. حال اگر جهت شمال شرقی و شمال را نیز در نظر بگیریم، در بیش از ۸۱ درصد موارد، سر اجساد به سمت شرق تا شمال قرار داشته است. این میزان و درصد، قطعاً تصادفی نبوده و انگیزه و معنی معینی داشته که البته در نبود مدارک مکتوب و نبود آگاهی کافی از باورها و اعتقادات مردمان دفن شده در چنگبار نمی‌توان نظر مستدل و قانع‌کننده‌ای مطرح کرد (نقشینه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۹). سمت شمال تا شرق بیشترین تعداد مورد استفاده را برای تدفین اجساد داشته‌اند که علاوه بر اهمیت محل طلوع خورشید از شرق، باتوجه به قرار گرفتن تپه زیویه در شمال گورستان چنگبار می‌توان این‌گونه برداشت کرد که جهت سر این مردگان به سمت همان نیایشگاه یا محل مقدس مورد احترام خود نهاده شده است. نکته قابل توجه دیگر، ساخت نیایشگاه بر روی تپه‌ای بلند است. مرتفع بودن نیایشگاه می‌تواند حالت قداست‌گونه به مکان مورد نظر داده و

جایگاه آن را هرچه بیشتر مقدس نشان دهد. این مرتفع بودن، جدای از حالت قداست دادن به مکان می‌توانسته به دلیل قابل مشاهده بودن بنای مقدس از نقاط مختلف بوده باشد تا مردمان منطقه بتوانند حضور همیشگی آن را با چشم خود ببینند. دلیل دیگر هم شاید جلوگیری از دسترسی راحت به نیایشگاه بوده باشد تا شرایط دفاعی بهتری داشته باشند و با کمترین ابزار دفاعی از غارت نیایشگاه جلوگیری کنند.

با این تعاریف، باز اگر هم چنان فرض قلعه نظامی بودن این بنا را محتمل بدانیم، باید پرسید که اگر این بنا قلعه‌ای راهبردی و مهم بوده، پس چرا علاوه بر فقدان برج، هیچ خندقی در اطراف آن حفر نشده است؟ اگرچه حفر خندق بیشتر برای قلعه‌هایی صورت می‌گرفت که در دشت و زمین هموار قرار داشتند، اما به هر حال با توجه به گفته‌های محققان که این بنا را یک کاخ دانسته‌اند؛ پس می‌بایست برای امنیت و دفاع بهتر از این بنا که در فضایی محدود ساخته شده، اقدام به ساخت و حفر یک خندق می‌کردند.

رسیدن به این نتیجه که بنای حاضر در تپه زیویه چه کاربردی داشته، نیاز به کاوش‌های هدفمند و بررسی‌های دقیق‌تر محوطه و دیگر محوطه‌های همجوار تپه زیویه و تجزیه داده‌های به دست آمده به خصوص متون آشوری و اورارتویی دارد، تا با بررسی و تحلیل دقیق آن‌ها بتوان به نتیجه درست‌تری در این ارتباط دست یافت؛ ولی با این وصف، می‌توان به تقویت این فرضیه پرداخت که مجموعه زیویه، یک نیایشگاه از اوایل هزاره اول قبل از میلاد بوده که در دوره ماد با دخل و تصرف در آن شاید با تغییر کاربری هم چنان از آن استفاده نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

تپه زیویه از زمان کشف، سال‌ها مورد کاوش قرار گرفته است. در این بین، محققین بسیاری بر روی یافته‌های آن تحقیق کرده و نظرات گوناگونی در ارتباط با آثار به دست آمده از آن و کاربری بنا ارائه داده‌اند. با توجه به نکاتی که در این پژوهش بدان اشاره شد می‌توان بر جنبه دیگری از کاربری بنای زیویه به عنوان «نیایشگاه» نیز توجه داشت. این بنا در مسیر لشکرکشی‌های متعدد حکومت‌های آشور و اورارتو قرار داشته و همان قدر که می‌تواند یک قلعه دفاعی بوده باشد، می‌تواند محلی آئینی و مقدس (نیایشگاه) برای عبادت بوده باشد. این نظر از آن رو قابل توجه است که آثار هنری برجسته‌ای از زیویه به دست آمده که به احتمال زیاد اشیائی است که به عنوان نذورات به این محل تقدیم کرده‌اند؛ علاوه بر این، گویا برای نزدیکی به این محل مورد احترام خود، مردگان‌شان را در نزدیکی این محل و بیشتر رو به سوی بنای زیویه دفن می‌کرده‌اند. گورستان‌های چنگبار و ملامچه از این نمونه گورستان‌ها هستند که در ملامچه می‌توان تنوع در تدفین‌ها را مشاهده کرد که از نمونه این تدفین‌ها می‌توان تدفین خانوادگی، تدفین خمره‌ای، تدفین تابوتی و تدفین‌های تک نفره را نام برد که خود نشان از انجام نوعی تدفین آئینی دارد. فعلاً نتیجه‌گیری در ارتباط با کاربری نیایشگاهی بنای زیویه در حد یک فرضیه قوی است، اما با پژوهش بیشتر در این منطقه می‌توان به نتیجه درست‌تری دست یافت؛ بنابراین به عنوان پیشنهادی جهت مطالعات آتی بنای تپه زیویه، کاربری نیایشگاهی را می‌توان محتمل‌تر از دیگر کاربری‌هایی که تاکنون ذکر شده‌اند دانست و نگارندگان برای این بنا کاربری «نیایشگاه» را پیشنهاد می‌نمایند.

سپاسگزاری

نگارندگان از آقایان یوسف حسن زاده و امیر ساعد موحشی بابت راهنمایی‌هایشان کمال سپاسگزاری را دارند.

کتابنامه

- بشاش کنزق، رسول، (۱۳۷۵). «قرائت کامل کتیبه بوکان». مجموعه مقالات اولین گردهمایی زبان کتیبه و متون کهن، شیراز ۱۲-۱۴ اسفند ۱۳۷۰، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی. صص: ۲۵-۳۹.
- پرادا، ادیت، (۱۳۵۷). هنر ایران باستان (تمدن های پیش از اسلام). ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.
- پلانول، د.، (۱۳۵۸). مطالعاتی درباره جغرافیای انسانی شمال ایران. ترجمه سیروس سهامی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات مشهد.
- جاویدنیا، حسام‌الدین، (۱۳۹۵). «بررسی و مطالعه گورستان‌های هزاره اول پیش از میلاد بخش زیویه مطالعه موردی گورستان چنگبار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل (منتشر نشده).
- رضاقلی، رستگار؛ و نقشینه، امیرصادق، (۱۳۹۳). «مقایسه سفال‌های منقوش قلعه زیویه سقز با محوطه‌های عصر آهن منطقه زاگرس غربی». کنفرانس بین‌المللی مهندسی، هنر و محیط‌زیست، کشور لهستان.
- زارعی، محمدابراهیم، (۱۳۸۶). سیمای میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان. سنندج: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کردستان، چاپ دوم.
- زارعی، محمدابراهیم، و حیدری باباکمال، یدالله، (۱۳۹۳). «اهمیت قلاع و استحکامات دوره‌ی قاجار منطقه شهداد در برقراری امنیت اجتماعی حاشیه غربی کویر لوت»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۶، دوره چهارم، بهار و تابستان، صص: ۱۹۵-۲۱۱.
- صالحیه، سالار، (۱۳۸۹). «تحلیل الگوهای استقراری حوزه زینه رود علیا در عصر آهن متأخر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر (منتشر نشده).
- عریان، مرضیه، (۱۳۷۴). «شهرهای اسلامی». مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بم-کرمان. جلد نخست، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص: ۲۷۸-۳۰۴.
- علیزاده، حسین؛ و فیروزمندی، بهمن، (۱۳۹۲). «معماری نظامی مانا». پیام باستان‌شناس، شماره ۱۹، بهار و تابستان، صص: ۱۰۶-۹۳.
- قدرت‌آبادی، صدیقه؛ و حسن‌زاده، یوسف، (۱۳۹۰). «فایلتو؛ محوطه‌ای کم‌شناخته در مرکز سرزمین مانا». باستان‌پژوهی، شماره هفتم، صص: ۹۳-۹۹.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۴۶). هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۵). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- معتمدی، نصرت‌الله، (۱۳۷۳). «گزارش قلعه زیویه-گورستان چنگبار کاوش‌های باستان‌شناسی»، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- معتمدی، نصرت‌الله، (۱۳۷۴). مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. جلد نخست، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی کشور. صص: ۳۲۰-۳۵۷.
- معتمدی، نصرت‌الله، (۱۳۷۶). «زیویه، کاوش‌های سال ۱۳۷۴: معماری و شرح سفال». گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور. صص: ۱۴۳-۱۷۰.
- ملازاده، کاظم، (۱۳۸۳). «جغرافیای تاریخی باستان‌شناسی مانا». رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت‌مدرس (منتشر نشده).

- مهاجری نژاد، عبدالرضا، (۱۳۹۲). «گزارش فصل اول کاوش باستان‌شناختی گورستان تاریخی ملامچه». سندج: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان (منتشر نشده).

- نقشینه، امیرصادق؛ طلایی، حسن؛ و نیکنمی، کمال‌الدین، (۱۳۹۰). «گورستان عصر آهن چنگبار». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱، دوره اول، صص: ۱۰۵-۱۲۲.
- وفایی، صابر، (۱۳۸۸). «شناسایی و بررسی محوطه‌های بخش زیویه»، سندج: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی استان کردستان (منتشر نشده).
- هژبری، علی، (۱۳۹۲)، «مهرکده انوشه‌گان». مجموعه مقالات همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دستاوردها، فرصت‌ها، تهدیدها، به‌کوشش: حسن هاشمی، بیرجند: دانشکده هنر دانشگاه بیرجند.

- هژبری، علی، (۱۳۹۴ الف). «زیویه؛ گنجینه مانای کردستان: گفتاری در معرفی داشته‌ها و چشم‌اندازهای محوطه باستانی زیویه». روزنامه ایران. ۱۳۹۴/۰۶/۰۸.

- هژبری، علی، (۱۳۹۴ ب). «چلیپا در معماری نوشیجان تپه». مفاخر میراث فرهنگی ایران: جشن نامه دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی، به‌کوشش: مرتضی حصار، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. صص: ۲۴۰-۲۴۸.

- هژبری، علی، (۱۳۹۵). «کاوش اضطراری نجات بخشی محوطه کانی‌زیرین زیویه-سقز، کردستان». گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به‌کوشش: حمیده چوبک، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۷۶۹-۷۶۵.

- یغمایی، احسان (اسماعیل)، (۱۳۶۴). «کشف معبد سه‌هزارساله در بوکان». روزنامه کیهان، چهارشنبه ۲۱ اسفند، ص: ۶.

- یغمایی، احسان (اسماعیل)، (۱۳۹۴). «یک خاک‌سپاری ویژه در تپه قلابه چی بوکان». مجموعه مقالات ارج ورجاوند، یادنامه زنده‌یاد دکتر پرویز ورجاوند، به‌کوشش: شاهین آریامنش، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، صص: ۱۹۱-۲۰۸.

- Barnett, R. D., (1956). "the treasure of Ziwiya". *IRAQ*, Vol. XVIII, Pp. 111-116.
- Barnett, R. D., (1962). "Median Art" *Iranica Antiqua*, Vol. 2, Pp. 77-97.
- Boehmer, R. M., (1964). "Volkstum und stadte der Mannaer". *Baghdader Mitteilungen*, III, Pp. 1-24.
- Dyson, R. H. (1963). "Archaeological scrap: Glimpses of history at Ziwiye". *Expedition 5*, Pp. 23-37.
- Dyson, R. H., (1965). "Problems of prehistoric Iran as seen from Hasanlu". *Journal of Near Eastern Studies* 24, Pp. 193-217.
- Fuchs, A., (1994). *Die Inschriften Sargons II*. Aus Khorsabad, Gottingen.
- Ghirshman, R., (1950). "Le Trésor de Sakkez, Les Origins de L'Art Mède et des Bronzes du Luristan". *Artibus Asiae*, Vol. 13, Pp. 181-206.
- Ghirshman, R., (1961). "Le Trésor de Ziwiye". In: *7000 Ans d' Art en Iran*, Paris, Pp. 81-102.
- Ghirshman, R., (1979). *Tombe Princière de Ziwiye et Le Début de L' art Animalier Scythe*. Paris.
- Godard, A., (1950). *Le Tresorde Ziwiye (Kurdistan)*. Haarlem.

- Hozhabri, A., (2014). "The Mithraeum of Nush-i Jan; Exploring the Use of Cross Motif in Architecture of Tepe Nush-i Jan". *Conference of 50 years of Archaeological Studies in Malayer*. Khaksar, A. (ed). Pp. 13-26.
- Muscarella, O. W., (1977). "Ziwiye and ziwiye: The forgery of a provenience". *Journal of field Archaeology*. Vol. 4, Pp. 197-219.
- Porada, E. & Ettinghausen, R., (1964). *7000 Years of Iranian Art*. Washington: Smithsonian Institution.
- Rezvani, H. & Roustaei, K., (2007). "A preliminary Report on Two seasons of Excavations at Kul Tarike Cemetery, Kurdistan, Iran". *Iranica Antiqua*, XLII. Pp. 139-184.
- Reade, J., (1995). "Iran in the Neo Assyrian period". dan M. Liverani (ed), *Neo Assyrian Geography*, Rome. Pp. 31-42.
- Stronach, D. & Roaf, M., (2007). *Nush-I Jan 1: The major Buildings of The Median Settlement*. Biritish Institute of Persian Studise. Peeters, London.
- Vera, Chamaza, G.W., (1994). "Der VIII feldzug Sargons II. Eine Untersuchung zu politik und historischer geographie des spaten & Jhs. V.chr. (teil I)". *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, 27, Pp. 91-118.
- Wilkinson, C. K. (1960). "More details on Ziwiya". *IRAQ*, Vol. XXII. Pp. 220-213.
- Young, T. C. Jr., (1965). "A comparative ceramic chronology for western Iran 1500-500 B.C.". *IRAN*, 3, Pp. 53-83.
- www.iranatlas.info.
- www.Google Earth.com